

چرا زبان در انسان شناسی شناختی اهمیت دارد؟

برگرفته از کتاب گزیده مباحث *انسان شناسی شناختی* (جانا تراحتلوا؛ ترجمه لیلا اردبیلی،

انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران ۱۳۹۵)

ویژگی منحصر به فرد انسان زبان اوست - نظام نشانه‌ها (به صورت صوتی و نوشتاری) امکان ارتباط دو جانبه را فراهم می‌آورد (سوکوپ، ۲۰۱۱: ۹۴۴). مشخصه زبان ماهیت و کارکرد نمادین آن است. واژگان، اصطلاحات و عبارت‌ها، همگی علایمی هستند که می‌توانند جانشین واقعیت تجربی شوند. البته، آنها وابستگی مستقیمی به واقعیت ندارند. انسان از طریق زبان می‌تواند "جهان‌های خیالی" خلق کند، و روابط و نظریه‌های علمی و انتزاعی را بیان نماید، شعر بنویسد و کنایه‌ها را درک کند.

این واقعیت که زبان ویژگی اصلی انسان بودن است از زمان‌های بسیار دور موضوع توجه آدمی بوده است. بدیهی است که بحث‌های مربوط به زبان و ارتباط میان حیوانات امروزه نیز مطرح و پویا است. حتی ارنست کاسیرر^۲ فیلسوف نیز اقرار می‌کند که نمی‌توان وجود نوعی "زبان عاطفی"^۳ و ذهنی در میان حیوانات را انکار کرد. او این ادعا را بر پایه مشاهدات مشهور وولف گانگ کوهرلر^۴ مطرح می‌کند، کسی که دریافت شامپانزه‌ها دارای مهارت‌های بیانی نسبتاً پیشرفته‌ای هستند. او به برخی حالت‌های عاطفی در حیوانات از قبیل ترس، غم، تقاضا، عصبانیت، تمنا، لذت و حتی لاقیدی در انجام حرکات اشاره می‌کند. در همین زمینه یرکیز^۵ تحقیق متفاوتی درباره میمون‌های انسان‌نما انجام داده است که از فرایندهای نمادینی - که گویا در اوایل مرحله تکامل نژادی به وجود آمده‌اند - حکایت می‌کند (کاسیرر، ۱۹۷۷: ۸۵). رفتار حیوانات فاقد نظام نشانه‌ها و علایم نیست، غالباً آنها برای پاسخ به محیط اطرافشان از نظام‌های پیچیده استفاده می‌کنند. البته، آنها علایم جایگزینی ندارند که حامل معنای عینی، کلی و مستقل از نیازهای زیستی یا منافع عملی باشند. انسان به توانایی خلق واحدهای معنایی و روابط میان آنها و نیز قابلیت انتزاع و تفکر نظری^۶ دست یافته است. بنابراین کاسیرر بیان می‌دارد که مشکل اصلی تمایز

^۱ fiction worlds

^۲ Ernst Cassirer

^۳ emotional language

^۴ Wolfgang Köhler

^۵ Yerkes

^۶ abstraction and theoretical thinking

میان زبان **عاطفی**^۷ و **گزاره‌ای**^۸ است. او این تمایز را "نشان‌دهنده فاصله میان دنیای حیوانات و انسان‌ها" می‌داند (کاسیرر، ۱۹۷۷: ۸۴). "زبان حیوانات" فردی و عاطفی است. انسان واژه‌ها و اصطلاحات را به ابژه‌ها نسبت می‌دهد و آنها را مستقل از واقعیت به کار می‌گیرد. ای. کورث این قوه منحصر به فرد انسان را به تلخیص اینگونه بیان می‌کند "اندیشه آدمی توانایی ذاتی دارد تا از هستی واقعی معنای عامی را انتزاع کند."... سنت کلاسیک از "یک انتزاع" سخن می‌گوید و روان‌شناسی و انسان‌شناسی مدرن از "ایده‌پردازی"^۹ صحبت می‌کنند که معنای هر دوی اینها کم و بیش یکسان هستند: "توانایی برای انتزاع کردن معنای معینی از خصوصیات واقعی و بخشیدن اعتباری عام به آن" (کورث، ۱۹۹۴: ۷۹). زبان نظام مقوله‌ها و طبقه‌بندی‌ها را ایجاد می‌کند و واقعیت شناخته شده به صورت طرحواره‌ای به تسخیر زبان در می‌آید و در آنجا سازمان می‌یابد. حتی کودک نیز زمانی که می‌تواند گفتار و زبان نمادین را درک کند دچار انقلابی فکری می‌شود (کاسیرر، ۱۹۷۷: ۲۲۹). همچنین، طبق یافته‌های پیشرفت تاریخی زبان انسان و نیز تحقیقات انجام شده بر روی زبان‌های بومیان این واقعیت پذیرفته شده است که زبان آدمی از مرحله واقعیت‌گرا و خاص به سمت مراحل انتزاعی‌تر حرکت کرده است.

ر. مورفی زبان را بخش مرکزی فرهنگ و هسته تمامی نظام‌های نمادین می‌داند. "نمادهای زبان نشانه‌هایی شنیداری هستند که معنای انتزاعی و معینی دارند و در میان اعضای یک جامعه زبانی خاص مشترک‌اند" (مورفی، ۲۰۱۰: ۳۸). زبان ابزار زندگی اجتماعی و واسطه تعامل اجتماعی است. در عین حال زبان نخستین نشانه هویت اجتماعی است که وابستگی فرد به گروه اجتماعی یا فرهنگ خاصی را نشان می‌دهد (کیشونوا^{۱۰}، ۲۰۱۳). انسان از زبان برای بیان و ثبت تجربیات خود و دیگران از جهان اطراف بهره می‌گیرد. زبان را می‌توان برای اهداف عملی مانند برقراری ارتباط به منظور اطمینان از مسیر درست در زندگی اجتماعی، دینی، فلسفی و علمی به خدمت گرفت. هر زبانی متشکل از تعداد معدودی صداها یا معنادار است. "این صداها محدود، مجزا، پذیرفته شده و قابل تشخیص هستند که نشانه‌های معنادار را می‌سازند" (مورفی، ۲۰۱۰: ۳۸). فهرست نهایی واژگان موجود در یک زبان "فرهنگ لغت"^{۱۱} آن زبان نامیده می‌شود. زبان‌شناسی به تحقیقات مفصل درباره زبان می‌پردازد (که این تحقیقات شامل بررسی واحدهای ساختاری، ساختار زبان، کارکردها و چگونگی رشد زبان می‌باشد).

^۷ emotional
^۸ predicative
^۹ ideation
^{۱۰} Kišonová
^{۱۱} lexicon

در حوزه **انسان‌شناسی شناختی** زبان عاملی است که نقش مهمی ایفا می‌کند. از همه مهمتر زبان مسیری را نشان می‌دهد که می‌توان از طریق آن به منظر منحصر به فردی از جهان دست یافت؛ منظری که تمایز دهنده اعضای یک جامعه معین فرهنگی از سایرین است. برای انسان‌شناسان، زبان امکان درک، نظم‌دهی و طبقه‌بندی دانش و یافته‌ها را فراهم می‌آورد. همچنین زبان نحوه سازمان و آرایش یک اجتماع خاص را آشکار می‌کند. **زبان اساس نظام‌های شناختی** در جامعه است. تجربه و مدل‌های اجتماعی موجود در رفتارهای واقعی را می‌توان با زبان تفسیر کرد (سوکوپ، ۲۰۱۱: ۱۴۴). انسان‌شناسان شناختی این پیش‌فرض را پذیرفته‌اند که ساختارهای زبانی در هر جامعه نشان‌دهنده اصولی هستند که ویژگی‌های خاص فرهنگ آن جامعه را می‌سازند. آموزش‌های اصول علمی زبان‌شناسی به‌طور مستقیم در تحلیل معنایی نظام اصطلاح‌شناختی بومیان یا در مطالعه قواعد طبقه‌بندی آنها به‌کار می‌روند. تمامی روش‌ها و ابزارهایی که زبان‌شناسی و معناشناسی نوین الهام‌بخش آنها بوده‌اند به خوبی بسط یافته‌اند. ارائه طرحی کلی برای طبقه‌بندی‌هایی که در گروه‌های خاص فرهنگی (رده‌بندی‌های مردم‌پسند^{۱۲}) و حوزه‌های خاص معنایی (قلمروها) وجود دارند از مسایل مورد علاقه و رایج در انسان‌شناسی شناختی به‌شمار می‌روند. روشی که در این میان حائز اهمیت است **تحلیل مؤلفه‌ای** است. در حال حاضر، شاخه مهم دیگری در زبان‌شناسی به‌وجود آمده است که تا جایی که مربوط به نظریه و روش‌شناسی می‌شود به علوم شناختی تعلق دارد- و آن را **زبان‌شناسی شناختی**^{۱۳} می‌نامند- این رشته یافته‌های نظری تحقیقات زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان و زبان‌شناسی روان‌شناختی، زبان‌شناسی عصب‌شناختی، هوش مصنوعی و انسان‌شناسی شناختی را در یک‌جا جمع آورده است. زبان‌شناسی شناختی زبان را در بافت ذهنی و کارکردهای شناختی و ساختارهای ذهن مطالعه می‌کند و از شارحان این شاخه از علم می‌توان به **مونیکا شوارتز**^{۱۴} (۱۹۶۱) اشاره کرد. تحقیقات در این رشته اساساً تحت تأثیر رشد انسان‌شناسی شناختی به‌خصوص علوم قومی و معناشناسی قومی قرار دارد (بدیناریکو^{۱۵}، ۲۰۱۳). دغدغه‌های انسان‌شناختی در زمینه زبان منعکس‌کننده درک ارتباط نزدیک میان زبان و فرهنگ است. در حال حاضر ویژگی خاص این مسئله موضوع بحث بسیاری از تحقیقات تخصصی است. علاوه بر زبان‌شناسی شناختی، یکی از زیرشاخه‌های این علم با نام **زبان‌شناسی فرهنگی**^{۱۶} است که منشاء و ماهیتی چندرشته‌ای دارد. این رشته به بررسی نقطه تلاقی زبان، فرهنگ و مفهوم‌سازی‌های زبانی^{۱۷} می‌پردازد. پیش‌تر محققان در این علم به رابطه میان زبان و فرهنگ توجه داشتند ولی امروزه غالباً پایه‌های فرهنگی

^{۱۲} folk taxonomy

^{۱۳} cognitive linguistics

^{۱۴} Monika Schwarz

^{۱۵} Bedenáriková

^{۱۶} cultural linguistics

^{۱۷} Linguistic conceptualisation

مفهوم‌سازی‌های زبانی را بررسی و مطالعه می‌کنند که از طریق صور بلاغی، نظیر استعاره^{۱۸}، در گفت‌وگوهای روزمره به‌کار می‌روند. تمرکز اصلی زبان‌شناسی فرهنگی بر مفهوم‌سازی‌های زبانی است و دلیل این امر آن است که نطفه این علم از پارامتری در زبان‌شناسی شناختی شکل گرفته است که طبق آن بین زبان و مفهوم‌سازی‌های شناختی برآمده از تجربه‌های انسان ارتباط نزدیکی وجود دارد.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- AHEAM, L. M.: *Living Language: An Introduction to Linguistic Anthropology*. Malden, MA: Wiley-Blackwell, 2011.
- BARRETT, S.: *Anthropology: A Student's Guide to Theory and Method*. Toronto: University of Toronto Press Incorporated, 2009.
- FRAKE, CH. O.: *Language and Cultural Description*, Stanford University press, Stanford, 1980, p. 41-42.
- GREENBERG, J. H.: *Anthropological Linguistics: An Introduction*. New York: Random House, 1968.
- KELLER, J.D.: The Limits of the Habitual: Shifting Paradigms for Language and Thought. In: KRONENFELD, D.B., BENNARDO, G., DE MUNCK, V. C., FISCHER, M. D.: *A Companion to Cognitive Anthropology*. Blackwell Publishing, Ltd, 2011, p. 61-81.
- MURPHY, R.: *Cultural and Social Anthropology*. Pearson Publisher, 1988.
- SALZMANN, Z.: *Language, culture, & society*. Westview Press, 1998.

^{۱۸} metaphor